

نشر



اسلامی

حیات علمی

به کوشش
دکتر مسعود غلامی
دکتر یوسف یک بابا پور

مجموعه مقالات، یادداشت‌ها، اسناد و متون

دفتر سوم

ویژه نامه مراغه پژوهی



کتاب حاضر، مجموعه‌ای است از مقالات، یادداشت‌ها، متون، اسناد و موضوعات مربوط به میراث دوره اسلامی، با محوریت مراغه پژوهی بدون در نظر گرفتن محدوده زمانی، از سده‌های آغازین دوره اسلامی تا اواخر دوره قاجاریه، که هم اکنون به عنوان دفتر سوم جستارهایی در میراث اسلامی منتشر می‌شود.

ISBN: 978-600-313-026-5



9 786003 130265



انجمن تاریخ پژوهان مراغه



انتشارات سفیراندهال

تهران، خیابان سمیه، بعد از مفتح
روبروی بانک ملی، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
تلفن: ۸۸۳۱۹۳۳۰ - ۸۸۳۱۹۳۴۲
تلفکس: ۸۸۳۱۳۸۹۸

جستارهایی در میراث اسلامی

(مجموعه مقالات، یادداشت‌ها، اسناد و متون)

دفتر سوم

(ویژہ نامہ مراغہ پژوهی)

به کوشش:

دکتر مسعود غلامیہ

دکتر یوسف بیگ باباپور



انتشارات سفیر پدھان

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

: غلامیه، مسعود، ۱۳۴۶.
: جستارهایی در میراث اسلامی (مجموعه مقالات، یادداشت‌ها، اسناد و متون) دفتر سوم (ویژه‌نامه‌ی مراغه پژوهی) / به کوشش مسعود غلامیه، یوسف بیگ‌باباپور

مشخصات نشر

: تهران: سفیراردهال، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری

: ۷۴۰ص: مصور، جدول، نمودار

شابک

: ۵ - ۰۲۶ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸ : ۳۲۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی

: فیبا

یادداشت

: کتابنامه

موضوع

: اسناد حقوقی - ایران - مراغه

موضوع

: مراغه - آثار تاریخی

موضوع

: مراغه - سرگذشتنامه

موضوع

: مراغه - تاریخ الانشاء

شناسه افزوده

: بیگ‌باباپور، یوسف، ۱۳۵۷

رده‌بندی کنگره

: ۱۳۹۱ ۲/۸۷۲ DSR۲۱۲۱

رده‌بندی دیویی

: ۹۵۵/۳۲۶۵

شماره کتابشناسی ملی

: ۳۰۸۳۵۱۱

۵۰۴۹۳

شابک: ۶ - ۰۱۶ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸



انجمن تاریخ پژوهان مراغه



کتابخانه سفیراردهال

تهران: خیابان مفتاح، خیابان سمیه، روبه روی بانک سپه، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴

جستارهایی در میراث اسلامی: دفتر سوم

(مجموعه مقالات، یادداشت‌ها، اسناد و متون: ویژه نامه مراغه پژوهی)

© حق چاپ: ۱۳۹۲، انتشارات سفیر اردهال www.safirardehal.ir

نوبت چاپ: اول

به کوشش: دکتر مسعود غلامیه و دکتر یوسف بیگ‌باباپور

طراح جلد: امین جعفری

صفحه‌آرا: منیژه فاتحی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ارغوان

شمارگان: ۲۲۰ نسخه

شماره نشر: ۱- ۲۶۴

بها: ۳۲۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

درباره مجموعه حاضر.....	۷
مراغه در یک نگاه (احمد کتابچی).....	۹
ساختارشناسی فرهنگ و تمدن هزاره اول قبل از میلاد (توحید همتی ارقون).....	۵۹
زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و عمرانی مورد نیاز جهت توسعه اکوتوریسم (عظیمه اشرف‌پور، موسی خدایاری).....	۸۸
اکوتوریسم (منطقه مراغه و خواجه) (عظیمه اشرف‌پور، مریم وثوقیان، مرضیه توفیق، افسانه خوش‌رفتار).....	۱۱۲
ردپایی از دینی کهن در فولکلور مردم سراجوی مراغه (اشرف ستارنژاد، سعید ستارنژاد).....	۱۳۵
نگاهی گذرا به قره‌بابا: راوی تاریخ خداجوی مراغه.....	۱۴۵
تجلی هنر و تزئین کاشی در معماری اسلامی مراغه (توحید همتی ارقون).....	۱۵۱
نقش آب‌های درمانی شهرستان مراغه در توسعه اقتصادی منطقه‌ای (علیرضا پاشائی، علی آذر).....	۱۷۴
بررسی تأثیر عوامل طبیعی بر چگونگی استقرار شهر و نحوه گسترش آن (سیدهادی موسوی).....	۲۰۵
تصوف و مراغه (مصطفی حسین‌زاده).....	۲۲۶
شجره‌نامه طریقتی در سنگ نگاره ستون ایلیک از سده نهم هجری (افسانه حصیری).....	۲۵۶
صدیق‌الحکماء و معرفی یک سند قرارداد پزشکی از دوره قاجار (دکتر مسعود غلامیه، دکتر یوسف بیگ‌باباپور).....	۲۵۹
نگاهی به زندگی و آثار اوحدی مراغی (دکتر یوسف بیگ‌باباپور).....	۲۶۵
نگاهی به سنگ مزار مقبره اوحدی مراغی (افسانه حصیری).....	۳۰۱
اوحدی مراغه‌ای و موسیقی (طغرل طهماسبی).....	۳۰۶
معرفی اثری نویافته از میرسلام‌الله موسوی (معجم) مراغی (افسانه حصیری).....	۳۲۷
نگاهی به هنر معماری گچ‌بری دوره سلجوقی و ایلخانی در چند بنای تاریخی آذربایجان (مهندس نعمت‌الله عبادی، دکتر یوسف بیگ‌باباپور).....	۳۴۰
نگاهی به مقبره میرمراغه و رجال مدفون در آن (دکتر منصور پورمؤذن).....	۳۵۸
اسناد چوب نگاره‌ای (افسانه حصیری).....	۳۷۱
زین‌العابدین مراغی، آزاداندیش غریب (طغرل طهماسبی).....	۳۷۵

اسنادی از میرزا حسن شکوهی و مبارزات مشروطیت او (دکتر یوسف بیگ باباپور، دکتر مسعود غلامیه)	۳۷۹
زبان آذری و مراغه (طغرل طهماسبی)	۳۹۴
نگاهی به مکتب علمی مراغه در دوره ایلخانی (دکتر یوسف بیگ باباپور)	۴۰۹
خواجه نصیرالدین طوسی و رصدخانه مراغه (اکبر وقاری فر)	۴۴۳
معبد مهر مراغه (نوشین شکوری)	۴۶۱
چند روایت تاریخی در باب مقبره المسترشد، بیست و نهمین خلیفه عباسی در مراغه (دکتر یوسف بیگ باباپور)	۴۶۹
وقایع اتفاقیه در آذربایجان و مراغه (افسانه حصیری)	۴۷۷
نگاهی به برخی تلگرافات صمدخان شجاع الدوله (محمد مشتری)	۴۸۲
دیباچه بیاض شاهزاده امامقلی میرزای قاجار (دکتر مسعود غلامیه، دکتر یوسف بیگ باباپور)	۵۳۱
دیباچه‌ای بر یک نکاح‌نامه از دوره قاجار (دکتر مسعود غلامی)	۵۳۸
بیان واقع وقایع مراغه (دکتر یوسف بیگ باباپور، دکتر مسعود غلامیه)	۵۴۹
صورت سیاق خسارات وارده در واقعه خونین یورش شیخ عبدالله کرد به مراغه (دکتر یوسف بیگ باباپور)	۵۵۷
نژاد و تبار مردم آذربایجان ایران (آتروپاتگان) (وحید رشیدوش)	۶۱۵
ضمیمه: آلبوم تصاویر تاریخی مراغه (دکتر مسعود غلامیه، دکتر یوسف بیگ باباپور)	۶۳۵

دربارهٔ مجموعهٔ حاضر

حقیقت آن است که با پیدایش مدرنیته، به ویژه تغییراتی که در سیستم آموزشی ما پدید آمد، نوعی انقطاع تاریخی میان نسل‌های پیش و پس از آن رخ داد که کمترین اثر این انقطاع، ناآگاه ماندن مردم و نسل‌های کنونی، از تاریخ و میراث کهن است، میراثی که بخش اعظم آن، در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی گرد غربت گرفته و دوره از دسترس قرار دارد.

بخش دیگری از این انقطاع، مربوط به پیش از عصر مدرنیته است، زمانی که ما در اواخر دورهٔ صفوی و بخش بزرگی از دورهٔ قاجار، با ادبیات کهن ایرانی فاصله گرفته و از تمدن اسلامی خود دور شدیم. این همان دوره‌ای است که بسیاری از میراث مکتوب ما در حملات مغولان و تیموریان و منازعات ملوک‌الطوایفی داخل حوزه ایرانی از بین رفته و به تدریج، تعقل و خرد ضعیف گردید و نتیجه آن همان انقطاعی بود که از آن سخن رفت. یکی از راه‌هایی که باید پیمود تحقیق و نشر میراث گذشته‌مان است، میراثی که از یک سو بسیار عظیم است و از سوی دیگر، ما به‌سان نان شب به داشتن آن نیازمندیم.

وظیفه سنگین انتقال تجارب گذشتگان و نحوهٔ حدوث وقایع و تأثیراتی که بی‌گمان بر روند تاریخی، اجتماعی و مدنی مردم مراغه گذاشته است، ایجاب می‌کند که تاریخ این بخش از ایران اسلامی با دقت و حوصله مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد و از کم و کیف تحولاتی که در آن به ظهور رسیده، آگاهی‌های دقیق‌تر و جامع‌تری کسب شود. **جستاری در میراث اسلامی** تلاشی است در جهت تحقق این هدف و آرمان ملی. آنچه در انتشار این امر مهم است، این است که بتوانیم از این میراث، دستمایه‌ای برای زنده کردن تمدن اسلامی فراهم کنیم.

یکی از مسائلی که نشان می‌دهد در یک تمدن، تأملی وجود دارد، پرداختن به یک «مسأله» در قالب یک رساله است. این قبیل نوشته‌ها که در گذشته عنوان رساله و اکنون به نام مقاله خوانده می‌شود، به دلیل شریطی که بر نگارش آنها حاکم است، آمادگی بیشتری برای رسیدن به «علم» در حوزه‌های مشخص را دارد. شاید دلیل این که در دنیای امروز،

اعتبار مقاله بیش از کتاب است، همین باشد. مجموعه حاضر حاوی مقالاتی است که در چند حوزه مختلف به نگارش درآمده و هر کدام در موضوع خود، حاوی اطلاعات و آگاهی‌های منحصراً به فردی است که می‌تواند حوزه دانایی را در آن موضوع گسترش دهد. میراث علمی ما مسلمانان، بسان همه اقوام، تلفیقی از دانایی‌ها و نادانایی‌هایی است که در بخش دوم، به غلط رنگ دانایی به خود گرفته و بر مجموع آن، نام علم نهاده شده است. درواقع وقتی یک مفهوم یا کلمه، موضوع دانایی شده است، آنچه برای پیشرفت و تکامل اهمیت دارد، این است که یک تمدن بتواند مفاهیم خود را تصحیح کند. یعنی از آنچه نادانی است بکاهد و بر حوزه دانایی و علم بیفزاید.

ما به تناسب تکاپویی که جوانانمان دارند تلاش نموده‌ایم، بخشی از صفحات این مجموعه را در اختیار گروهی قرار دهیم که از دو جهت ممتازند:

از یک طرف فکرها و اندیشه‌هایی نو دارند و از سوی دیگر صبر و حوصله کافی برای جستجوی بیشتر. ممکن است که عدم تسلط کافی آنان بر منابع پژوهش، نقص‌هایی در کار ایجاد کند، اما جای نگرانی نخواهد بود چرا که چشم تیزبین محققان کهنه کار می‌تواند راهنمای خوبی جهت اصلاح و پیشرفت کارشان باشد. انتشار هر مقاله‌ای در این مجموعه به منزله تأیید و به معنای درست‌ترین مضمون آن نیست، بلکه تنها به این عنوان است که این برگ در یک موضوع خاص، خوب است مدنظر قرار گیرد و به آن هم توجه شود.

جمع غفیری از ارباب علم و بصیرت، در تمامی زمینه‌های علمی و پژوهش در هرچه بهتر و غنی‌تر کردن این اثر ما را دستگیری نمودند، امید بر آن داریم که حق تعالی به همه آنان و به همه دل‌سوختگان تعالی فرهنگ، این مرز و بوم توفیق خدمت و تندرستی و سربلندی عنایت بفرماید.

انجمن تاریخ‌پژوهان مراغه که درصدد نشر این مجموعه برآمده است از همکاری گروهی از ارجمندان بهره‌مند شده است که جای ادای شکر نسبت به آنان در همین مقدمه می‌باشد.

دکتر مسعود غلامی

دکتر یوسف بیگ باباپور

مراغه - اسفند ۹۱

مراغه در يك نگاه

احمد کتابچی

(کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی)



موقعیت شهر:

شهرستان مراغه، با وسعتی معادل $2185/65$ کیلومتر مربع، $4/8$ درصد از کل مساحت استان آذربایجان شرقی را به خود اختصاص داده است و از این لحاظ رتبه سیزدهم را بین شهرستان های استان دارا می باشد. این شهرستان از نظر مختصات جغرافیائی در عرض شمالی 37 درجه و یک دقیقه الی 37 درجه و 45 دقیقه و در طول شرقی 46 درجه و 9 دقیقه الی 46 درجه و 44 دقیقه قرار گرفته است.

ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۹۰-۱۳۶۰ متر می باشد. از سمت شمال با شهرستان تبریز، از شمال شرقی با شهرستان بستان آباد، از شرق با شهرستان هشترود، از جنوب با استان آذربایجان غربی و ملکان، از جنوب شرقی با شهرستان چاراویماق، از غرب با شهرستان بناب و از شمال غربی با شهرستان اسکو و عجب شیر همجوار می باشد. مراغه با ۱۵ کیلومتر از بناب، ۱۲۰ کیلومتر از تبریز و ۶۵۰ کیلومتر با تهران فاصله جغرافیائی دارد.

از نظر توپوگرافیکی نیز این شهرستان از دو قسمت مجزا تشکیل شده است. بخش شمالی که شامل دامنه های جنوبی ارتفاعات سهند می باشد، به صورت کوهستانی و ناهموار بوده و بخش مرکزی و جنوبی شهرستان، بصورت دشت و جلگه می باشد. توده کوهستانی سهند از مهمترین عوارض توپوگرافیک شهرستان محسوب می شود که دامنه های جنوبی این کوهستان پیکربندی بخش عمده ای از شهرستان را تشکیل می دهد.

طبیعت:

شهرستان مراغه از لحاظ وضع آب و هوا معتدل (متمایل به سردی) و نسبتاً مرطوب می باشد. هوای قسمت های جلگه و کنار دریاچه گرمسیر و در قسمت کوهستانی معتدل می باشد. آب و هوای آن در فصول مختلف سال ۲۰ درجه سانتی گراد زیر صفر تا ۳۵ درجه سانتی گراد بالای صفر متغیر بوده، میزان بارندگی در آن ۳۰۰ میلی متر در سال است. انواع بارش در مراغه عبارتند از: باران بهاری - سیسقایاغیش - دلی یاغیش - قوش باشی - گنچی قران - آلاچالپو و تگرگ.

انواع بادهای شناخته شده در مراغه را می توان به گونه های زیر دسته بندی نمود: وعده یلی (باد پائیزی) مه یلی - گنچی قران یلی.

در این ناحیه از برکت کوهستان سهند، چندین رودخانه پرآب جاری است که از ذوب شدن برفهای زمستان و پائیز که بر فراز دامنه های سهند ذخیره شده، روان می باشند. معمولاً هر یک از رودخانه ها دارای دره های پرپیچ و خم بوده که بستر خود را تا دل کوهستان پیش برده اند.



از رودخانه های معروف این منطقه می توان از صافی رود یاد کرد که از ارتفاعات جنوب غربی سرچشمه می گیرد. منبع تغذیه رودخانه ها نزولات جوی می باشد. طول رودخانه ۷۵ کیلومتر، شیب بستر آن در واحد کوهستان ۴ درصد، در واحد جلگه ۱ درصد و شیب متوسط بستر آن به طور کل ۲ درصد بوده و در مناطق «بی کربناته» در سازندهای سیلیکاته و بی کربناته سولفات ه جریان دارد. رودخانه های زیر حوضه صافی رود به قرار زیر می باشد:



آمالو - اصفهانجیق چای - یوک چای - چنار چای - چوان چای - چهاربرود - سنو کش - سوچن چای - صوفی چای - قبی چای - قلعه چای - قوری چای.

از رودخانه های مستقل زیر حوضه زرینه رود - سیمینه رود که در شرق و جنوب شهر مراغه جریان دارد رودخانه مردق (مردی چای) می باشد که طول آن ۱۲۰ کیلومتر و با شیب بستر آن ۱ درصد و در مناطق بی کربناته در سازندهای سیلیکاته - کلروره و شور جریان دارد. متوسط دبی سالیانه این رود $2/84$ میلیون مترمکعب می باشد.

از دیگر منابع تامین آبی شهر، قناتها می باشند که در تاریخ این شهر سابقه ای طولانی دارد. طبق آمار موجود در این منطقه ۱۰۵ رشته قنات با آبدهی متوسط $3/8$ لیتر در ثانیه وجود دارد.

در شهر مراغه و اطراف آن بالغ بر ۲۳۰ چشمه با آبدهی متوسط $4/5$ لیتر در ثانیه وجود دارد که جهت شرب و آبیاری باغات و کشتزارها مورد استفاده قرار می گیرند. در این منطقه به جز رشته کوههای سهند (۳۷۱۰ متر) سه قله مندیل بسر

(به ارتفاع ۲۱۶۹ متر در جنوبشرقی) و سرگونی (در جنوبشرقی به ارتفاع ۲۶۲۰ متر) و قوزلوجه (در شمال غربی به ارتفاع ۲۶۱۵ متر) قرار دارند. همچنین غارهای هامپوئیل، تولچوچوهول و چپرچوهول از غارهای طبیعی و مهم این شهرستان می باشند.

منظر گیاهی در مراغه به دو دسته تقسیم می شود:

(الف) گیاهان خودرو یا غیرزراعی که شامل انواع گیاهان صمغی، رنگی، طبی، معطر، علوفه ای، خوردنی و تزئینی می شود.

(ب) گیاهان زراعی که حامل تلاش انسان می باشد در قالب باغ و باغات به وفور دیده می شود.

زندگی جانوری همچون زندگی نباتی مربوط به عوامل آب و هوایی می باشد، از انواع حیوانات از پرندگان اهلی و وحشی، پستانداران، حشرات و خزندگان به مانند آنچه در سایر نقاط آذربایجان دیده می شود، در این منطقه نیز زاد و ولد کرده به حیات خود ادامه می دهند.

اراضی و کوههای اطراف مراغه دارای انواع معادن زیرزمینی می باشد که اهم آنها عبارتند از: معادن زغال سنگ، معادن نمک، سنگ مرمر، سنگ آهن، زرنیخ، سنگ گچ و معادن گل سرشور.

تاریخ کهن شهر:

سابقه تاریخی و فرهنگی غنی این شهر در تاریخ ایران، مراکز دیدنی و تاریخی بسیاری را به ارمغان گذاشته است.

درباره گذشته مراغه به خصوص اوضاع پیش از اسلام آن اطلاعات روشنی در دست نیست. به اعتباری در عهد اشکانیان نام آن «فراعت» (Fraata) بوده، ولی جغرافی

نویسان بعد از اسلام، چون بلاذری، ابن فقیه و یاقوت حموی نام آن را «افرارود» و «فرارود» یاد کرده اند.^۱

در سالهای ۷۲۰ ق.م پادشاهی مناطق اوئیش دیش در ناحیه کنونی مراغه دارای سکونت نیمه مستقل بودند که تحت فرمانروایی مانناها قرار داشتند. مانناها بیشتر به دامداری و حجاری می پرداختند.^۲

درباره وجه تسمیه «مراغه» اقوال گوناگون است. آنچه از اسناد تاریخی برمی آید به نظر می رسد که قدیمی ترین نامی که این سرزمین به خود داشته است، اوئیش دیش بوده است. پروفیسور بارتولد مراغه را در دوره ساسانیان افزاره روح و امداده ها رود و آن را مولد و منشا آئین زردشت دانسته است. در لابلای متون تاریخی از مراغه با نامهایی چون مارآوا، مادآوا، مارآوا، فراغنه، فراسپا و ... یاد شده است.^۳

جغرافی نویسان عرب، مراغه را پایتخت آذربایجان و مرکز لشکرگاه اسلام نوشته اند و وجهه تسمیه آن را بر اساس یک افسانه چنین بیان می کنند که:

«در سال ۱۲۳ هجری موقعی که مروان بن محمد والی ارمنستان و آذربایجان، زمانی که از جنگ موقان (مغان) و گیلان باز می گشت، به علت سبز و خرم بودن این منطقه لشکر در آن فرود آورد و چون در آنجا سرگین فراوان بود و چهارپایان سپاه در آن خاک و سرگین می غلطیدند، پس بدانجا گفتند: «قریة المراغة» و سپس واژه قریه را از آن برداشتند و مراغه بماند یعنی جایی که ستور در آنجا به خاک بغلتند.»

۱- ر.ک: کاوش در رصدخانه مراغه. ص ۱۰۹

۲- ر.ک: مراغه باغ شهر ایران. ص ۲.

۳- ر.ک: تاریخ ماد. ص ۷۹.

از دوره قبل از اسلام تقریباً چیزی بر جای نمانده است، اما از دوره های پس از اسلام و بخصوص دو عصر باشکوه سلجوقی و ایلخانی آثار نفیسی به یادگار مانده است.

در سال ۲۲ ه. ق مراغه به وسیله «مغیره بن شعبه» گشوده شد. به جهت موقعیت خاص مراغه، این شهر پس از خاندان بنی ساج به پایتختی و مرکزیت حکومت های کنگریان، سالاریان، روادیان و اتابکان برگزیده شد و تا اوایل قرن ششم از مراکز معروف حکومتی و علمی ایران شمرده می شد. اکثر ارباب سیر و تواریخ، مراغه را با عنوان «سیم شهر دنیا» بعد از قبةالاسلام بلخ و دارالمومنین آمل دانسته اند.

در زمان جنگهای اعراب با بابک خرمدین این شهر پناهگاه قشون عرب بود، از حدود سال ۳۳۲ ه. ق دیلمیان بر آن دست یافتند. در سال ۴۶۴ ه. ق مراغه جزو قلمرو سلجوقیان درآمد. در این دوره تنها حکومتی که توانست تقریباً یک قرن حکومت نیمه مستقلی داشته باشد خاندان «احمد یلیان» بود. مشهورترین سلطان از این خاندان «علاءالدین کرپه ارسلان» می باشد که نظامی گنجوی در هفت پیکر مدح او کرده است.

در سال ۶۲۲ ه. ق سلطان جلال الدین خوارزمشاه به مراغه وارد می شود هر چند در اندک زمانی بعد (۶۲۸ ق) مراغه به تصرف سپاهیان مغول درآمد و سرانجام در سال ۶۵۶ ه. ق در زمان هلاکوخان مراغه به پایتختی برگزیده شد.^۱

سده های پنجم تا هشتم دوران اوج تمدن و فرهنگ در مراغه شمرده می شود که نقطه اوج آن احداث رصدخانه عظیم مراغه بود. مراغه در این دوره جایگاه بسیاری از دانشمندان مهاجری بود که به جهت کسب علم و یا شهرتی در این شهر مدتی اقامت داشتند.

۱- کاوش در رصدخانه مراغه - ص ۱۰۹.

مراغه پس از ایلخانان مغول در زمان جلایریان نیز همچنان اعتبار خود را حفظ کرد و همواره جزو بزرگترین شهرهای ایران بود. یکی از محققین غربی می نویسد: «در قرن هشتم و نهم هجری هنوز هاله مراغه در افق می درخشید و پرتوافشانی می کرد.»^۱

در حمله تیمور به ایران حاکم مراغه یادگار شاه بود که در سال ۷۹۵ ه. ق پس از تصرف مراغه توسط تیموریان این شهر مورد تخریب سپاهیان تیموری قرار گرفت. در دوره صفوی نیز مراغه دستخوش تحولات بسیاری از جمله در عرصه مذهبی گردید. با تصرف مراغه بدست قوای عثمانی، قدرت نمایی نادرشاه افشار در مراغه با استقبال مواجه شد و مردم برای خلاصی از دست عثمانی ها به نادر روی کردند.

در دوره قاجار نیز شهر مراغه به واسطه نزدیک بودن به تبریز که در این عهد «ولیعهد نشین» محسوب می شد برای عوامل دولت قاجار از اهمیت بالایی برخوردار بود و همواره سعی بر آن داشتند با انتصاب حکام لایق و مردم دار تا حد امکان آرامش را در این شهر برقرار سازند. یکی از مهمترین اتفاقات این شهر در دوره قاجار واقعه مشروطه خواهی مردم آذربایجان در برابر ظلم و ستمی بود که سالها بر آنان اعمال شده بود.

پس از اینکه ندای مشروطه خواهی به همه شهرها رسید، مردم مراغه نیز که آینده بسیار خوش و درخشانی را در پیش رو می دیدند، بی اندازه خشنود و خرسند گردیدند و در راه حاکمیت قانون و آزادی مجاهدتهای بسیاری نمودند و در این راه چه خونها و جانها که نثار نکردند. ملا محمد حسن مقدس و عبدالحسین انصاری

۱- ر.ک: مراغه باغ شهر ایران، ص ۲.

نخستین شهدای واقعه بزرگ مشروطیت در مراغه بودند که بدست عمال حکومتی در مراغه به جرم مشروطه خواهی به طناب دار آویزان گردیدند.^۱



جمعی از مشروطه خواهان مراغه

از دیگر وقایع بسیار تلخ و خونبار مراغه در اواخر دوره قاجار می توان به دو واقعه حمله بلباس و شیخ عبیدالله گُرد اشاره نمود. شورش اکراد یاغی با رهبریت شیخ عبیدالله که از طرف دولت عثمانی حمایت می شد در اواخر پادشاهی ناصرالدین شاه خسارات مادی و معنوی بسیاری بر مردم ارومیه، میاندواب، بناب و مراغه وارد آورد و در اسناد و کتب تاریخی از قساوت و سنگدلی عاملان این شورش ها حکایات جانگداز بسیاری نقل شده است.^۲

شهر مراغه علاوه بر آسیب های معترضانة انسانی، از بلایای زمینی و آسمانی نیز همواره متحمل خسارت گردیده است. نزول بلایایی چون وبا، قحطی و یا عدم بارش

۱- ر.ک: حاجی صمدخان شجاع الدوله و رژیم مشروطه. ص ۷۵-۷۰.

۲- ر.ک: فتنه شیخ عبیدالله کرد. چاپ ۱۳۹۰ - کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

به موقع باران و یا ریزش فراوان آن موجب جریان سیل های خروشان در این منطقه از جمله مشکلاتی بود که مردم مراغه با آن در اکثر اعصار مواجه بوده اند. وقوع وبای سالهای ۳۷-۱۲۳۵ در این شهر و کشتار هزاران نفر موجب ثبت این واقعه در کتب تاریخ گردید. قحطی سالهای ۱۳۱۶ ه.ق نیز واقعه ای دیگر بود که بر محال مراغه و آذربایجان سایه انداخت و خسارات بسیاری بر این شهر وارد ساخت. مجذوب علیشاه این واقعه را در قالب شعری سروده است که دو بیت آغازین آن چنین است:

سال «ایت نیل» آمد و بدرید مردمان را چو سگ به روز سفید
گندم و گوشت و استخوان همه را خورد و بر هیچ کس خوبی نرسید.^۱

مسائل مردم شناختی و جامعه شناختی:

جمعیت شهر:

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان مراغه با متوسط نرخ رشد سالیانه معادل ۰/۷۸ از ۲۱۸۱۰۶ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۳۵۷۰۲ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. این تعداد جمعیت ۶/۵۴ از جمعیت استان را شامل می شود. در فاصله دو سرشماری فوق الذکر رشد جمعیت در مناطق شهری ۱/۲۴ درصد و در مناطق روستائی ۰/۰۲ درصد بوده است. در سال ۱۳۸۵ شهرستان مراغه دارای ۵۷۶۵۸ خانوار بوده که از این تعداد ۳۹۲۹۵ خانوار در مناطق شهری و ۱۸۳۶۳ خانوار در مناطق روستائی ساکن بوده اند. بر این اساس، نرخ شهرنشینی در شهرستان در سال ۱۳۸۵، ۶۴/۲۷ درصد و درصد روستائینی ۳۵/۷۳ بوده است.

۱. ر.ک. بحرالاسرار، میر سلام الله موسوی مراغی (مجرم)، ص ۶۵.

نسبت جنسی در شهرستان در سال ۱۳۸۵، ۱۰۵ نفر می باشد. بعبارت دیگر در شهرستان در مقابل هر یکصد نفر زن، ۱۰۵ نفر مرد وجود داشته است.

نیروی انسانی و اشتغال:

بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵، ۲۰۲۲۲۲ نفر جمعیت دهساله و بیشتر شهرستان مراغه، حدود ۸۴۱۵۹ نفر یعنی ۴۱/۶۲ درصد را جمعیت فعال تشکیل می دهد که از این تعداد جمعیت فعال ۷۷۱۵۷ نفر، شاغل و ۷۰۰۲ نفر بیکار و جویای کار هستند. بنابراین نرخ بیکاری در این شهرستان در سال ۱۳۸۵ برابر ۸/۳۲ می باشد. که از نرخ بیکاری استان پائین تر بوده است.



نمایی از ساختمان قدیمی شهرداری مراغه



عبدالعلی مجتهدزاده، اولین شهردار مراغه

زبان:

اکثریت مردم مراغه سفیدپوست با چهره گندم گون و از نژاد آریائی هستند. زبان مادری مردم آذری است. حمدالله مستوفی قزوینی در نزهةالقلوب در خصوص زبان مردم مراغه می نویسد:

«زبان مردم مراغه پهلوی معرب یا مغیر است. زبان مردم زنگان پهلوی راست است و زبان مردم گشتاسفی پهلوی باز بسته به جیلانی است.»^۱

از گویشهای معمول در این شهرستان می توان به ترکی آذربایجانی، زبان کردی و زبان ارمنی - که تا چندی پیش مرسوم بود ولی به دلیل مهاجرت ارامنه امروز دیگر در جایی به کار برده نمی شود - اشاره کرد.

۱. ر.ک: نزهةالقلوب، ص ۱۱۲.

مذهب:

از آنجا که مراغه را مهد و زادگاه زردشت دانسته اند، مراغیان در قبل از اسلام بیشتر در آئین زردشتی بودند ولی پس از ورود اسلام به ایران و فتح مراغه بدست اعراب مسلمان، اکثر مردم آن به دین اسلام گرویدند و مذهب شافعی اختیار نمودند. پس از تسلط سلجوقیان بر آذربایجان و حاکمیت آنان در مراغه، مذهب مردم به حنفی تغییر یافت. سرخوش آتش بیگ مراغی در همراهی با شاه اسماعیل در گرایش مردم آذربایجان به تشیع نقش اساسی داشته است. (مراغه: افزاره رود، مروارید، ص ۷۵)

مراسم مذهبی:

آئین های عزاداری ماه محرم در مراغه با جلوه ها و تشریفات خاص از دهه آخرماه ذیحجه آغاز و در دهه اول ماه محرم به اوج خود می رسد. «شاخسه-واخسه» (شاه حسین-وای حسین)، علم بندی، مالیدن گل متبرک بر سر و صورت، وای عباسی، بستن احرام، روشن کردن شمع، آتش کشیدن خیمه، آذین بندی اسبها با پارچه های زیبا و کبوترهای به خون آغشته از جمله آئین های عزاداری در مراغه است.

مردم عزادار در این شبها با راه اندازی دسته های عزاداری، نام و یاد حماسه حسینی را زنده نگه می دارند. در آئین علم بندی از سوم ماه محرم در محله ها به یاد علمدار دشت کربلا برپا می شود.



در هنگام برپایی علم صدها رأس گوسفند که برای این روز نذر شده اند در پای علم قربانی می شوند. در روز هشتم ماه محرم که در این شهرستان تاسوعای کوچک نامیده می شود به یاد فداکاری های حضرت عباس (س) عزاداران در گروههای ۲۰ تا ۳۰ نفری عباس گویان عزاداری کرده و در هنگام نزدیک شدن به تکایا با زنجیر، چوب و دست بر سر و سینه خود می کوبند.

آئین های عزاداری مردم مراغه در عصر روز عاشورا با برپایی خیمه و چادر در محلات و هیأت های حسینی، شبیه خوانی و با آتش زدن این خیمه ها تا حدودی خاتمه می یابد.



ماه مبارک رمضان:

چند روز مانده به ماه مبارک رمضان، مردم منطقه مساجد و اماکن مذهبی را غبارروبی کرده و خودشان نیز جهت استقبال از این ماه پربرکت آماده می شوند. در این ماه در بعضی از مساجد شهر و روستا بعد از نماز مغرب و عشاء برنامه سخنرانی مذهبی برگزار می شود. پس از ادای نماز مراسم مقابله و تلاوت قرآن مجید منعقد می شود و در هر جلسه یک جزء از قرآن مجید قرائت می گردد بطوری که درسی روز کامل، کل قرآن تلاوت و تمام می شود. در شبهای قدر بعد از اتمام سخنرانی جوشن کبیر خوانده می شود. سپس دعای مخصوص سحر «بک یا الله» در یک فضای معنوی خوانده می شود. در روز بیست و یکم رمضان که روز شهادت مولای متقیان علی (ع) می باشد، بازار شهر یکپارچه تعطیل کرده و با برپایی دستجات عزاداری و گردش در شهر به سوگواری می پردازند. در روز عید سعید فطر، مردم فطریه های خود را آماده کرده و جهت شرکت در نماز فطر، عازم مساجد می شوند. و بعد از نماز نیز عید را به همدیگر تبریک گفته به دید و بازدید هم می روند.

از دیگر مراسم مذهبی، رغایب می باشد که اولین شب جمعه ماه رجب است که آن را روز خیر و برکت می دانند. خانواده ها جهت احسان به مردگان خود حلوا می پزند و در بین فامیل و آشنایان پخش می کنند تا روح مردگان شان از ایشان شاد و راضی باشد.

از دیگر مراسم آئینی می توان به «سیدلر بایرام» اشاره کرد که در هیجدهم ذیحجه است، معمولاً سادات در منزلشان نشسته عده ای از اقوام و دوستان برای دیدار به منزلشان می روند و سید یا سیده با چائی و میوه اقدام به پذیرایی می کنند.

چهارشنبه سوری:

شب چهارشنبه آخر سال را نه تنها کودکان بلکه عده ای از بزرگترها نیز با هم جشن می گیرند زیرا همه باور دارند که زمستان رفتنی است. بزرگترها مشغول خرید لوازم جشن شب چهارشنبه می شوند و بچه ها به بازی تخم مرغ رنگ شده یا گردو بازی و امروزه به ترقه ترکاندن.

قبل از شام: آتش چهارشنبه سوری افروخته می شود و جوانها رخوت زمستان را با دویدن و پریدن از روی آتش بدر می کنند. دخترهای دم بخت از روی آتش پریده و می خوانند:

آتیل باتیل چهارشنبه بختیم آچیل چهارشنبه

پس از صرف شام جوانها بر بامها رفته با شال و طنابی که تهیه دیده اند از سوراخ بامها و امروزه از پنجره خانه ها خم شده و ظرفی را که به شال بسته اند به داخل خانه همسایه یا فامیل می اندازند که اصطلاحاً «شال سالاما» گفته می شود. صاحب خانه هم به تناسب وسع اش هدیه ای یا مقداری تنقلات و میوه به شال بسته تقدیم می کند. صبح فردای آن خانم ها کوزه تازه خریده شده را از آب رودخانه صوفی

چای پر می کنند و در جلوی خانه خود زمین را آبیاری می کنند و معتقدند که با این کار تمام بلایا برطرف می شود.

جمعه آخر سال:

از بامداد فردای چهارشنبه سوری خانواده ها در فکر تدارک احسان شب آخرین جمعه سال می شوند، و احسانی که در این روز برای خیرات اموات آماده می کنند، حلوا می باشد.

حلوای آماده شده را بین خویشاوندان و همسایگان تقسیم می کنند و بخشی از حلوا را در ظرفی نهاده سر مزار خویشان و آشنایان خود برده، بین مردم توزیع می کنند.

عید نوروز:

بعد از جمعه آخر سال مردم شهر مراغه، در انتظار فرا رسیدن عید نوروز لحظه شماری می کنند. رسیدن عید ممکن است از همان شب جمعه آخر سال تا چهارشنبه آینده ادامه یابد، اما اگر بعد از آدینه، آغاز عید نوروز و تحویل سال با روز شنبه مصادف شود، آن عید از احترام و اهمیت ویژه ای در نزد مردم برخوردار بوده و به فال نیک گرفته می شود و این ضرب المثل گفته می شود که: «همیشه بایرام شنبه دوشمز». (یعنی همیشه عید نوروز با روز شنبه مصادف نمی شود).

تحویل سال:

در لحظات تحویل سال ابتدا سفره هفت سین متناسب با توانایی مالی هر خانواده پهن می شود و به محض تحویل سال نو، صدای هلهله و شادی از خانواده بلند می شود و همگی فرا رسیدن سال نو را به همدیگر تبریک می گویند.

عید سیاه (قره بایرام):

عصر نخستین روز پنجشنبه از سال نو که اولین شب جمعه سال نو نیز می باشد، مردم بر سر مزار مردگان خویش حضور می یابند و بعد از خواندن فاتحه بر اهل قبور بر سر مزار مردگان خانواده رفته، آلام خانواده های عزادار را تسلی و تسکین می بخشند. مضاف بر اینکه شب عید مردگان را شب «صله ارحام» نیز می نامند، زیرا هر کس به نوبه خود در روز نخستین جمعه سال نو، به فکر خویشان و نزدیکان مستحق خود می افتد و در حد توان خویش به آنان کمک مالی می نماید.

اسپند دود کردن:

در زبان محلی «اوزیه سالماخ» گویند، زمانی اسپند دود می کنند که شخص از نظر زیبایی یا ثروت به چشم بیاید و زبانزد خاص و عام گردد و معتقدند اسپند خاصیت دفع چشم بد را دارد. هنگام اسپند دود کردن این عبارت را می خوانند:

«آیا باخانین، گونه باخانین، جمله جهانین حمام قاپسنان کچنین، مسجد قاپسنان کچنین، گوزی چخسین». در برخی از روستاهای اطراف هم گویند: «سالم اوتا اوزریه، گورم حکمون اوزریه، قویون قوزی اوتداسین، بدنظری چاتداسین گوزی».

بازیها و سرگرمیها:

ورزش و بازیها پدیده هایی هستند که از نظر زمان راه به کهن ترین دوران زندگی بشر می برند و سرآغازی برای آنها نمی توان تعیین کرد. حرکات ورزشی و بازیها عمدتاً در دو گونه از جایگاهها برگزار می شده است، نخست در فضای آزاد و به طور عمده در میادین بزرگ شهری و دیگری در فضاهای سربسته هم چون زورخانه ها، چاله حوضها و تکیه ها و قهوه خانه ها، گرگ بازی، قوچ بازی، خروس

جنگی و بالاخره کارهای نمایشی هم چون معرکه گیری، شعبده بازی، خیمه شب بازی، بندبازی و غیره از انواع تفریحات مردم در گذشته بوده است.

زورخانه ها محل های رسمی برای تربیت ورزشکاران و نوآموزان و جایگاه مقدسی برای پرورش روحی و جسمی جوانمردان و پهلوانان به شمار می رفتند. و بالاخره قهوه خانه ها را باید کانونهای فرهنگی عمده ای در ارتباط با زندگی شهری به شمار آورد. در قهوه خانه ها مراسم گوناگونی به اجرا درمی آمد که از آن جمله می توان از شاهنامه خوانی، داستان سرائی، شعرخوانی، پرده داری و مانند آن یاد کرد.



اقتصاد و مشاغل:

کشاورزی:

شهرستان مراغه بواسطه موقعیت طبیعی و واقع شدن در دره حاصلخیزی که بوسیله آب رودخانه صافی و سایر رودخانه ها مشروب می گردد و بواسطه استعداد فوق العاده خاک، مستعد پرورش و بدست آوردن انواع محصولات کشاورزی و دامی می باشد به طوری که ابن حوقل در هزار سال قبل و حمدالله مستوفی حدود ۶۵۰ سال پیش مراغه را بداشتن باغات میوه و محصولات کشاورزی ستوده اند.

در شهرستان مراغه بطور کلی می توان کار کشاورزی را در باغداری و تربیت اشجار میوه خلاصه و معنی کرد. اکثر مردم این شهر دارای باغ و در اصطلاح محلی «ملخاوا» (ملک آباد) نامیده می شوند و به تناسب توانایی مادی خود قطعات زمینی را بصورت تاکستان یا سر درختی در آورده در آن به فعالیت مشغولند. در تاکستانهای مراغه بیش از ۳۰ نوع انگور بدست می آید و محصول برخی از این تاکستانها جهت تهیه سبزه و انواع مختلف خشکبار مانند کشمش، فخری، گرمیان و تهیه شیر انگور مصرف می شود.

در باغات سر درختی انواع درختان میوه از قبیل بادام، گردو، زردآلو، شفتالو، هلو، توت، گلابی و سایر درختان میوه پرورش داده می شود. امروزه به دلیل کیفیت بالای سیب مراغه، این محصول در دیگر شهرهای ایران از آوازه خاصی برخوردار است و امروزه بخشی از آن حتی به کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر می شود.

مساحت اراضی کشاورزی دیم مراغه در مقایسه با استان ۸/۹۲ و مساحت اراضی کشاورزی آبی ۶/۶۶ از اراضی استان را از آن خود نموده است. امروزه ۲۳ درصد از میزان تولید میوه جات استان متعلق به کشاورزان مراغه ای می باشد.

دامداری:

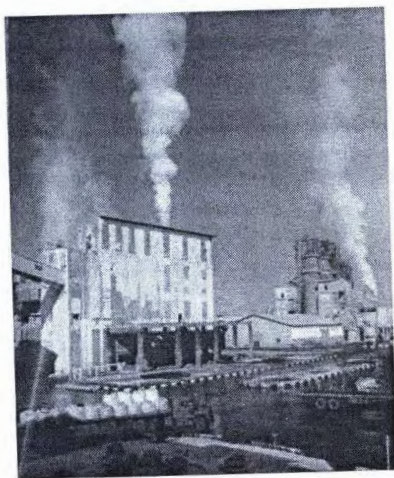
وجود مراتع وسیع ییلاقی و قشلاقی، دامپروری سنتی و پرورش زنبورداری را در این منطقه رونق بخشیده است. امروزه در سایه بکارگیری تکنولوژی و علوم دامی شکل دامپروری از حالت سنتی به شکل صنعتی و مدرن در حال تغییر شکل می باشد؛ بطوری که تولیدات دامی منطقه از میانگین ۵ کیلو به ۲۰ کیلو گرم افزایش یافته است. تعداد دامداری های فعال به ۶۴ واحد، مرغداریهای صنعتی به ۶۸ واحد، مرغداری های گوشتی به ۹۷ واحد با تولید سالیانه ۵۶۳۳ تن در حال حاضر افزایش یافته است. میزان تولید عسل در منطقه به بیش از ۱۹۵۰ تن رسیده است. در حال

حاضر تولید ۹/۵٪ گوشت قرمز، ۹/۵۲٪ شیر خام، ۱۸/۲۷٪ تخم مرغ، ۱۳/۱۴٪ گوشت مرغ، ۳۲٪ عسل استان در شهرستان مراغه تولید می شود.

شهرستان مراغه از نظر تولید کمی و کیفی عسل مقام اول استان آذربایجان شرقی را به خود اختصاص داده است. ۱۷۰ هزار هکتار مراتع ییلاق و قشلاقی در دامنه سهند وجود دارد و این منطقه از مناطق مستعد پرورش زنبورو تولید عسل در شمال غرب ایران محسوب می شود.

صنعت:

از پیشرفت های خوبی که در سالهای اخیر در مراغه انجام گرفته پیشرفت در زمینه صنعت است که با سرمایه گذاری بخشهای دولتی و خصوصی انجام گرفته است این کارخانه ها با هدف اشتغال زایی نقش بسیار مهمی در منطقه داشته اند که از مهمترین بخشهای صنعتی این منطقه می توان به کارخانجات شیشه سازی (کاوه سودا)، شهد سهند، کمپوست، سالانورسازی و غیره اشاره کرد.



(شیشه سازی کاوه سودای مراغه)

در حال حاضر مجموعاً ۲۱۳ واحد صنعتی و معدنی در شهرستان مراغه موجود می باشد که از این تعداد ۱۸۲ واحد صنعتی با سرمایه گذاری ۱۲۹۷/۷ میلیارد ریال که زمینه اشتغال ۳۲۴۸ نفر را فراهم آورده اند و همچنین ۳۱ واحد معدنی با اشتغال ۳۷۲ نفر و با سرمایه گذاری ۳۹۱۳۳ میلیون ریال در زمینه های استخراج زغال سنگ، دیاتومیت و سنگ آهک، پوکه معدنی، سنگ نسوز، مرمر، گرانیت در شهرستان مراغه فعالیت می نمایند. مهمترین فعالیت صنعتی این شهرستان «تولید و عمل آوری و حفاظت گوشت، ماهی، میوه، سبزیجات، روغن ها و چربی ها از فساد» می باشد. این شهر دارای شهرک صنعتی به وسعت ۱۱۴ هکتار می باشد که در حال حاضر ۶۹ طرح تولیدی در حال اجرا و فعالیت می باشند.

فرهنگ و تعلیم و تربیت



مدرسه دولتی فردوسی، ۱۳۱۰ش

آموزش عالی

شهرستان مراغه به واسطه بافت فرهنگی و غنای علمی دارای بیش از ۱۵ عنوان مراکز آموزش عالی فعال می باشد که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

دانشگاه مراغه (تاسیس ۱۳۶۶ ش)، دانشگاه پیام نور (۱۳۷۲ ش)، دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۶۴ ش)، آموزشکده فنی و حرفه ای سما واحد مراغه (۱۳۸۴ ش)، دانشکده علوم قرآنی (۱۳۷۳ ش) دانشکده پرستاری و مامائی (۱۳۷۰ ش)، مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی صنایع غذایی (۱۳۸۰ ش) مرکز آموزش عالی علمی کاربردی بازرگانی (۱۳۸۷ ش)، مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی جهاد دانشگاهی، موسسه آموزش عالی صنعتی، آموزشکده فنی و کشاورزی پسرانه (۱۳۷۵ ش)، آموزشکده فنی و حرفه ای فاطمه الزهراء دخترانه (۱۳۷۷ ش)، دانشگاه پیام نور واحد خداجو، حوزه علمیه برادران (امیرالمومنین)، و حوزه علمیه خواهران فاطمه الزهراء، مرکز تحقیقات نجوم و اختر فیزیک (۱۳۸۰ ش).

رادیو شهر مراغه:

رادیو شهر مراغه در سال ۱۳۷۵ ش افتتاح گردیده که در حال حاضر با ۱۲۰۰ ساعت تعهد برنامه ای به زبانهای آذری و فارسی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اطلاع رسانی و ارشادی در این اداره تهیه و پخش می شود. برنامه های سحر گوروشی و آخشمالار مراغه از پرمخاطب ترین برنامه های این رادیو می باشد.

این شهرستان فاقد شبکه سیما به طور مستقل می باشد و برای ۴۵ دقیقه در هر هفته در روزهای شنبه از شبکه استانی برنامه های تولیدی آن پخش می شود.

کتابخانه:

کتابخانه عمومی مراغه، معروف به کتابخانه ملک، به عنوان اولین کتابخانه عمومی شهر مراغه، در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی با ۱۲۰۰ جلد کتاب شروع به کار کرد. بانی آن حاج مسیب موسوی فرزند حاج میرحسین، از شخصیت های نامدار مراغه بود. شهرت حاج مسیب بیشتر در عالم تجارت می باشد؛ چرا که از تجار بنام مراغه بود. در مراغه به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به موفقیت پشت سر گذاشت. با درایت و کاردانی که داشت توانست سرمایه ای فراهم آورد و در کار تجارت به نام و آوازه ای برسد. لقبش ملک التجار بود و در بین عامه به حاج ملک معروف بود. از آثاری که از آن مرحوم به جا مانده می توان از مسجد موسوی (مسجد کربلا) واقع در میدان خواجه نصیر مراغه، تجارتخانه بزرگ موسوی، پل سنگی حاج ملک در راه گذر ارتباطی بر روی صوفی چای، و کتابخانه حاج ملک نام برد.

کتابخانه ملک به عنوان اولین کتابخانه عمومی شهر که در داخل تجارتخانه قرار داشت، به نام حاج ملک، کتابخانه ملک نام گذاشته شده بود؛ این کتابخانه حاصل رنج چندین ساله ملک التجار بود که در سفرهای مختلف کتابهایی را خریداری می کرد و در کتابخانه خود جمع می نمود. هرچند که تأسیس کتابخانه بعد از مرگ حاج ملک، توسط اولادش (میر ابراهیم، میر اسحاق، میر صالح، میر احمد، سید رضا، ملوک الحاجیه و عزت الحاجیه) صورت گرفت.

حاج مسیب موسوی، معروف به حاج ملک به سال ۱۳۲۰ هـ. ش. در اثر سکنه قلبی دار فانی را وداع گفته و جنازه آن مرحوم در کربلا مدفون است.

امروز بخش خطی کتابخانه عمومی مراغه حاوی حدود ۲۰۰ جلد کتاب خطی و حدود ۶۵۰ جلد کتب چاپ سنگی و سربی می باشد که غالباً متعلق به کتابخانه ملک التجار سابق بود.



تصویر مرحوم حاج مسیب موسوی (ملک التجار) - بانی کتابخانه مراغه

آثار تاریخی:

گنبد سرخ

بنایی چهار گوش در دو طبقه همانند دیگر برج مقبره های تاریخی می باشد که در دوره سلجوقی بنا شده است. تاریخ ساخت بنا ۵۴۲ ه.ق است. تزئینات آجری و تلفیق آن با کاشی، اسلیمی های گچ بری شده و کتیبه های آجری در چهار ضلع بنا از شاخصه های ارزشمند این بناست که آغازگر شیوه آذری است. این بنا به دستور ابوالعز عبدالعزیز بن محمود بن سعدیدیم الله علده ساخته شده که نوشته های کتیبه ضلع شمالی گواه بر این مدعاست. این برج در جنوب شرقی شهر مراغه در محله جودی آباد واقع شده است.



برج مدور:

در دوره سلجوقی به سال ۵۶۳ ق در دو طبقه احداث گردیده است تزئینات آن تنها در بخش ورودی برج می باشد، از عناصر تزئینی این بنا می توان به کاشی کاری، تزئینات آجری و کتیبه آجری بالای درگاه اشاره نمود.

این برج در مرکز شهر مراغه در کنار گنبد کبود واقع شده است.



گنبد کبود

در کنار برج مدور مراغه برج ده پهلوی منشور شکل زیبایی وجود دارد که در دوره سلجوقی همانند برج مدور در دو طبقه بنا گردیده است. از تزئینات این بنا می توان به طاق نماها، تزئینات آجری و اسلیمی های گچ بری شده بدنه خارجی گنبد و نیز کتیبه گچ بری شده داخل سردابه اشاره نمود. همچنین قطار بندی ها و کتیبه های آجری و کاشی کاری های بدنه برج که بر روی سکوی سنگی ساخته شده است، از دیگر عناصر تزئینی این بنا می باشد.



گنبد غفاریه

این گنبد در شمال غربی شهر مراغه در کنار رودخانه صافی رود مجاور پل هلاکوخان واقع شده است. این بنا در دوره ایلخانی و حکومت سلطان ابوسعید به تاریخ ۷۲۵ و ۷۲۸ ق احداث شده است.

این بنا چهارگوش به شکل مکعب که بر روی سکویی سنگی و سردابه دخمه ای شده است. در چهار زاویه آن ستونهایی با تزئینات حصیری ساخته شده است.

هر یک از اضلاع برج به غیر از ضلع شمالی دارای دو طاق نما و یک حاشیه کتیبه دار است که به خط ریحان نوشته شده است. کاشی های این بنا به رنگ آبی فیروزه ای در فرمهای خاص آن دوره جلوه زیبایی به بنا بخشیده است.

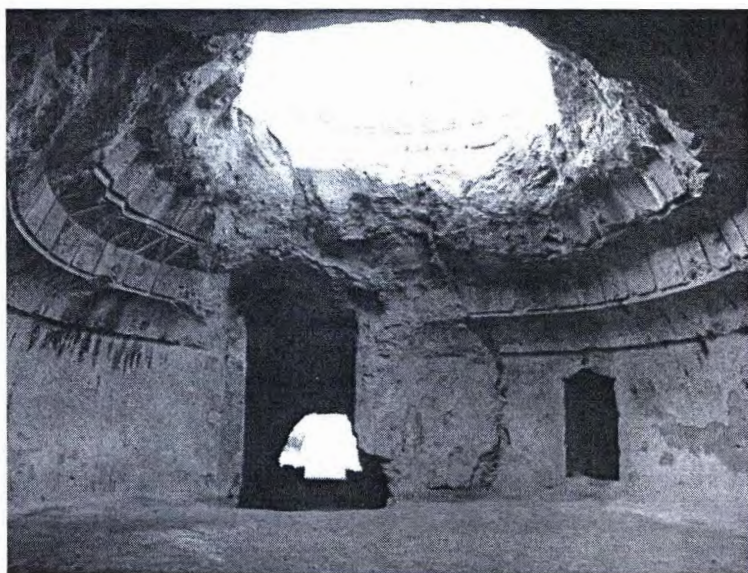


معبد مهر ورجوی:

سازه ای سنگی در قبرستان روستای ورجوی وجود دارد که در منطقه به امامزاده ملا معصوم مشهور بوده و شباهت زیادی به معابد مهر یونان، ایتالیا و ترکیه دارد.

در و دیوار تالار بزرگ با خط ثلث آیاتی از سوره آل عمران را بعدها به آن نقش کرده اند که استفاده از آن در دوره های اسلامی را آشکار می کند. بر روی دیواره ورودی سمت چپ معبد تصویر ماری حک شده که این نقش در دوره اشکانیان بسیار متداول بوده و به روی گچ بری های این دوره به وفور مشاهده می گردد.

معبد مهر مراغه به عنوان یکی از معدود معابد مهر پرستی ایران در فاصله حدود پنج کیلومتری جنوب مراغه واقع شده و قدیمی ترین بنای استان آذربایجان شرقی بشمار می رود.



مقبره آقاآلار

بعنوان بنای باقیمانده از دوره زندیه بیانگر نوع و سبک معماری این دوره بسیار حائز اهمیت است. عرفا و شخصیت های سیاسی، مذهبی و هنرمند این شهر در این مکان مقدس آرمیده اند از جمله شاخص ترین آنان می توان به عبدالفتاح موسوی مراغی متخلص به شیخ اشراق و شاهزاده رضا قلی میرزا متخلص به مجنون علی شاه اشاره نمود.

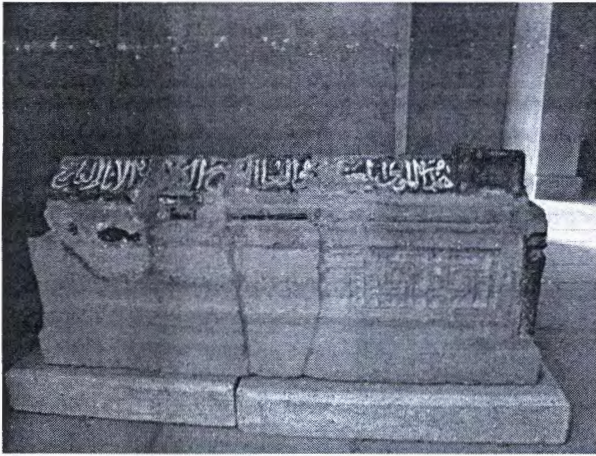
اخیراً این بنای تاریخی بعنوان موزه سنگ نگاره های تاریخی منطقه تعیین و مورد استفاده و بازدید عموم قرار گرفته است.



مقبره اوحدی مراغه ای

اوحدی از عرفا و شعرای مشهور مراغی در قرن هشتم می باشد. طرح و اجرای مقبره اوحدی با الهام از چهارتاقی های ساسانی و بناهای اسلامی به شکل زیبا ساخته شده و با موزه تخصصی ایلخانی همجوار است. این بنا در بخش شمالی شهر مراغه، در خیابان دانشسرا واقع است.





کلیسای هوانس

تنها کلیسای باقی مانده از مسیحیان با توجه به مهاجرت ارامنه این شهر به جاهای دیگر بعنوان تنها نماد مذهبی یکی از ادیان الهی بسیار حائز اهمیت است.

این کلیسا در مجموعه ای متشکل از مدرسه ارامنه، خانه کشیک و ساختمان نگهداری برقرار است.

کلیسا از سه بخش محراب، صحن و بخش میانی تشکیل شده است. برج ناقوس کلیسا متشکل از چهار ستون است که بر فراز آنها برج ناقوس کلیسا با گنبدی مخروطی شکل قرار گرفته است.



رصدخانه مراغه

پس از انتخاب شهر مراغه به عنوان پایتخت، هولاکوخان در پی فتح بغداد، بر اثر تقاضا و به تشویق حکیم دانشمند بزرگ ایرانی، خواجه نصیرالدین طوسی، موجبات یکی از معتبرترین مراکز علمی جهان، یعنی رصدخانه فراهم آمد و این مرکز علمی بر روی یکی از تپه های غربی مشرف به شهر احداث گردید. تپه رصدخانه به طول ۵۱۰ متر و عرض متوسط ۲۰۱۷ متر با ارتفاع ۱۱۰ متر می باشد. خواجه نصیر با جدیت و مهارت تمام کار رصدخانه را تمام و زیج ایلخانی را تدوین نمود و دانشمندان و منجمین بزرگ اطراف و اکناف را جهت همکاری به مراغه دعوت کرد. بزرگانی چون فخرالدین مراغی، محیی الدین اخلاطی، قطب الدین شیرازی و... در این رصدخانه، مجتمع پژوهشی-آموزشی کاملی با امکانات برج مرکزی

رصدخانه و واحدهای نجومی وابسته به آن، مدرسه‌ای برای آموزش محققان و منجمین جوان در زمینه‌های ریاضیات، فیزیک، نور، نجوم و... و کتابخانه‌ای با ظرفیت چهارصد هزار جلد کتاب احداث شد.



جدیت و اقدامات این مردان آزاده و بلندهمت سبب شهرت این مرکز علمی در بیشتر سرزمینها شد و توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران و امرا را به سوی مراغه جلب کرد. این رصدخانه تا سالها الگوی ساخت رصدخانه‌های بزرگی بوده است. الغ بیگ بر اساس طرح آن، رصدخانه سمرقند، و فومنچی با الهام از آن رصدخانه‌ای در چین ایجاد می‌کنند. رصدخانه‌های دیگری نیز در هند بر اساس الگوی این رصدخانه ساخته شدند.



مساجد چوبی مراغه

تحولات مذهبی خصوصاً رسمیت مذهب تشیع در ایران دوره صفوی، در فرهنگ مسجدسازی تاثیر بزرگی گذارد. از جمله نمونه های عینی آن می توان به گسترش سازه مساجد چوبی در مراغه اشاره کرد. مساجدی که بداعت و خلاقیت در طراحی و همگونی و انس با طبیعت و شرایط اقلیمی و فرهنگی جامعه خود هویدا است.



ستونها با سرستون های قطار بندی شده فرش و عرش را به هم دوخته و فکر هر انسان عارف را به خود معطوف می سازد. تزئینات نقش بسته بر روی پرده های چوبی و صندوقچه های چوبی سقف بصورت گل و بوته با خطوطی نرم و چشم نواز است. دکتر کریم پیرنیا بر این اعتقاد است که شاهان صفوی ستاندهای چوبی مساجد

مراغه را با خود به اصفهان برده و این نقوش و طرح ها الهام بخش معماری کاخ چهل ستون، هشت بهشت و عالی قاپو در اصفهان شده است.

از نمونه های بارز مساجد چوبی در مراغه می توان از مسجد ملا رستم، مسجد ملا معزالدین، مسجد سفید، مسجد ضریر، مسجد ریحان، مسجد قاضی یاد کرد.



جاذبه های گردشگری شهرستان مراغه

از مهمترین جاذبه های گردشگری شهرستان مراغه جدا از آثار تاریخی بجا مانده میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

مسیر سرسبز کناره رودخانه صافی چای و سد علویان مراغه - غار طبیعی هامپوئیل (غار کبوتر) دره ماه بیگم - دامنه های کوه سهند - دره گشایش - آبهای معدنی - تپه قیزل ارسلان - مارال داغی و



گویجه قلعه



غار هامپوئیل (کبوتران)



طبیعت مراغه

بهداشت و درمان:

در شهرستان مراغه، ۳ باب بیمارستان و ۱۴ مرکز بهداشتی و درمانی وجود دارد و ۶۳ پزشک در بیمارستانهای علوم پزشکی این شهرستان مشغول به کار می باشند. در مقایسه با آمار استانی، ۶/۹۸ درصد بیمارستانهای استانی، ۴/۵۸ درصد مراکز بهداشتی و درمانی و ۵ درصد پزشکان استان در این شهرستان می باشند.

تعداد تخت های بیمارستانی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت برابر ۹/۲۷ تخت می باشد که بطور قابل توجهی از آمار استان (۱۳/۵) برابر پائین تر می باشد. در مناطق روستائی شهرستان نیز ۷۱ خانه بهداشت فعال وجود دارد که ۶/۶۲ درصد از خانه های بهداشت استان را تشکیل می دهد. این تعداد خانه های بهداشت فعال ۹۰/۵ درصد از کل جمعیت روستایی شهرستان را تحت پوشش قرار داده است.

از امکانات بیمارستانی موجود در این شهرستان می توان به بخش های درمانی ارتوپدی، چشم، جراحی مغز و اعصاب، ارولوژی، قلب، عفونی، CCU, NICU, ICU وجود مراکز تصویربرداری، اکو کاردیو گرافی CT-SCAN, MRI اشاره نمود.

نمای بیرونی بیمارستان شیر خورشید (شهید بهشتی کنونی) در سال ۱۳۱۸
عکاسی عارف مراغه



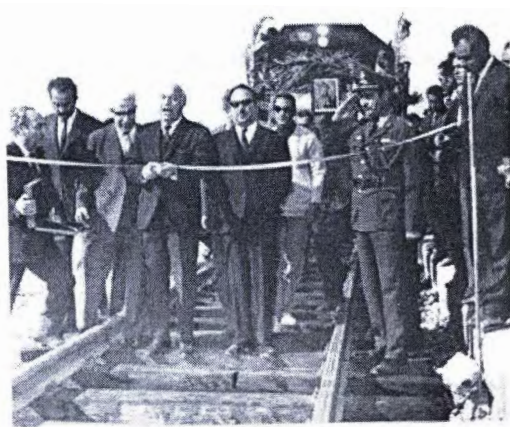
ارتباطات:

راه شوسه و آسفالته:

۹۰ درصد از ۱۶۴ روستای شهرستان مراغه از راه روستایی مناسب برای تردد برخوردار می باشند. محورهای مراغه - بناب - عجب شیر - ملکان - آذرشهر به چهار خطه (بزرگراه) ارتقا یافته است و ۹۰ کیلومتر بزرگراه مراغه - هشتروند در دست مطالعه و اقدام می باشد.

فرودگاه سهند و راه آهن:

فرودگاه شهرستان مراغه در مساحت بیش از ۴۰ هکتار در سال ۱۳۷۲ شمسی تأسیس گردید. از امکانات موجود در این فرودگاه می توان به اداره هواشناسی، دستگاههای DME , NDB جهت هدایت هواپیماهای در حال نشست و برخاست، سالن ترمینال، ساختمان برق اضطراری، استخر ایمنی زمینی اشاره نمود. از این فرودگاه در طول هفته حداکثر ۵ پرواز و حداقل ۳ پرواز صورت می گیرد.



مراسم افتتاح راه آهن مراغه

تلفن و تلگراف:

در سال ۱۲۹۷ ق برای اولین بار تیرهای تلگراف در مسیر مراغه به تبریز برقرار گردید و نخستین تلگراف ارسالی از تلگراف خانه مراغه با حضور علما و شخصیت های شهر توسط رضا تلگرافچی به تبریز مخابره گردید.



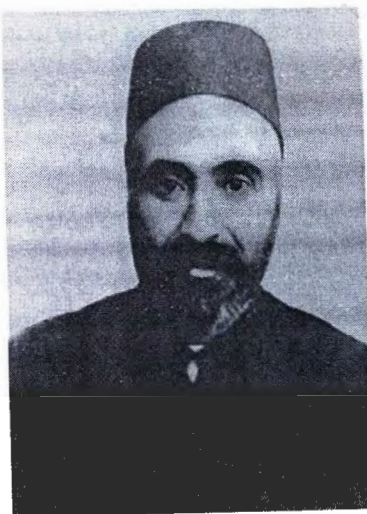
مهر مربوط به تلگرافخانه مبارکه مراغه (۱۳۲۸ هـ.ق).

امروزه مخابرات شهرستان مراغه با ۸۵۳۳۹ خط تلفن ثابت، ۶/۱۸ درصد از کل تلفن های ثابت استان را به خود اختصاص داده است. همچنین تعداد کل تلفن های همراه برقرار این شهرستان برابر ۵۰۷۱۴ خط می باشد که ۴/۹ درصد از کل تلفن های همراه استان را شامل می گردد.

نصب و راه اندازی تعداد ۳۰ فقره آنتن BTS شهری و جاده ای و راه اندازی تلفن همراه ایرانشل و رساندن پوشش جاده ای تلفن همراه به ۹۸ درصد از اقدامات اداره مخابرات این شهرستان می باشد.

رسانه ها

نخستین کسی که در شهرستان مراغه روزنامه را به این شهر آورده در دسترس مردم قرار داد، میرزا حسن شکوهی بود که خود روزنامه نگار روزنامه هایی چون جبل المتین، صور اسرافیل و اختر بود.



تصاویری از میرزا حسن شکوهی

از نخستین روزنامه های منتشره در مراغه می توان به ندای رهنما (که توسط مرحوم ولی الله رهنما)، روزنامه مراغه (مرحوم ابوتراب مقدم)، اوحدی (با مدیریت حمید مقدم فر)، و از هفته نامه های منتشره امروزی می توان از رصد، بهاریه، سیمای مراغه، آذر پیام، اعتماد، فردای ما، یاد کرد.

مشاهیر:

اوحدی مراغی:

شیخ رکن الدین فرزند حسین، به سال ۶۷۰ ق. در مراغه به دنیا آمد. اکثر تذکره نویسان او را از مریدان اوحدالدین کرمانی می دانند و علت تخلص به «اوحدی» را نیز بدین علت می دانند. شهرت اوحدی در زمان سلطنت سلطان ابوسعید آخرین ایلخان مغول (۷۱۶-۷۳۶ ق) به کمال رسید. از آثار وی می توان به مثنوی های جام جم و ده نامه، دیوان اشعار شامل قصاید و غزلیات عرفانی که به اسلوب حدیقه سنایی سروده شده، اشاره کرد. وی در سال ۷۳۸ ق. در ۶۸ سالگی در مراغه بدرود حیات گفت.

عبدالقادر مراغی:

عبدالقادر پسر غیبی حافظ مراغی ملقب به «حافظ، گوینده، و نظام الدین» و مشهور به «ابن غیبی» یا «حافظ المراغی» یا «خواجه عبدالقادر» در سال ۷۶۸ق. در مراغه دیده به جهان گشود. وی را عالم به علوم متداول زمان، حافظ و قاری قرآن، دارای طبع شعر، خوشنویسی استاد، تصویرگری ماهر، موسیقی دان و موسیقی پژوه، متخصص در علوم نظری و عملی در موسیقی و نوازنده عود و خواننده و در نهایت از مفاخر تاریخ هنر ایران در نیمه قرن ۸ و ۹ هـ.ق. و آخرین نظریه پرداز موسیقی کلاسیک ایران که تنها بعد از اوست که اطلاعات دقیق و موثق و قابل اطمینان درباره مطالب موسیقایی می توان یافت، دانسته اند. آثار مهم وی به شرح ذیل هستند: کنزالالحان، مقاصدالالحان، جامع الالحان، و شرح الادوار، و غیره.

صمدخان شجاع الدوله:

صمدخان پسر سرتیپ اسکندر خان مقدم و نوه احمدخان مقدم مراغه ای می باشد. در جوانی به «چاپخ صمد» مشهور بود و بعدها از طرف محمدعلی شاه به «شجاع الدوله» ملقب گردید. او در محاصره تبریز بر مجاهدین مشروطه خواه تبریزی بسیار سخت گرفت. ضدیت او با مشروطه خواهان خود عاملی برای شکل گرفتن و تقویت مشروطه شد. شجاع الدوله در اواخر عمر خود در روسیه به بیماری سرطان کردن مبتلا شد و در سال ۱۳۳۳هـ.ق. دیده از جهان فرو بست.



صمدخان شجاع الدوله

اعتماد السلطنه:

محمدحسن خان پسر حاج علیخان مقدم مراغی از شاگردان دوره اول مدرسه دارالفنون بود. برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در بازگشت به سمت پیشخدمتی و مترجمی ناصرالدین شاه منصوب شد. وی در سال ۱۲۸۸ق وزارت انطباعات را بر عهده گرفت و در سفر شاه به فرنگ همراه او بود. اعتمادالسلطنه دهها جلد کتاب تالیف و ترجمه نمود. وی در ۱۸ شوال ۱۳۱۳ق. بر اثر عارضه قلبی درگذشت و در وادی السلام نجف اشرف مدفون گردید.



اعتماد السلطنه

مجدوب علিশاه مجرم مراغی:

حاج میرسلام الله موسوی مشهور به حاج کبیر آقا، ملقب به مجذوب علিশاه، فرزند محمد باقر از مشایخ سلسله نعمت اللهی (کوثریه) در دوره قاجار است. مجذوب علিশاه طبع شعر داشت و تخلص وی در اشعارش مجرم بود. دیوان اشعار او با نام بحرالاسرار مشتمل بر قصاید و غزلیاتی از وی می‌باشد. وی در سال ۱۳۲۴ق. به دیدار حق شتافت.



مجدوب علیشاه

مجیرالسلطان

محمدجعفر مجیر سرتیپی، از خاندان قاجار در سال ۱۲۴۸ هـ.ش. دیده به جهان گشود. علاقه او به ریاضیات و نجوم وی را به سمت علم هیئت کشاند و از منجمین بنام مراغه گردید. وی تقویم نیم قرن نجومی از سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۳۰ هـ.ش. را استخراج کرد. مجیرالسلطان در جریان انقلاب مشروطیت از اعضای انجمن ولایتی مراغه بود. وی در سن ۶۸ سالگی در گذشت و در قم مدفون گردید.



مجیرالسلطان

مشهدی محمدحسن پیر مراغه:

محمدحسن آقا در سال ۱۲۳۸ ش. متولد شد و در خدمت حاج کبیر آقای مراغی به فقر مشرف گردید و در سیر و سلوک به مرحله کمال رسید و به «محبوب علیشاه» ملقب شد. صداقت و امانتداری از صفات حسنه آن بزرگوار بود. وی در سال ۱۳۲۴ ش در گذشت.



دخیل مراغی:

آخوند ملا حسین مراغی، متخلص به «دخیل» در مراغه متولد شد. وی از شعرای قرن ۱۳ق. به شمار می رود. سروده هایی به زبان فارسی و ترکی دارد. اشعار او در شش مجموعه به چاپ رسیده است. اغلب اشعار وی مرثیه است.



حاج زین العابدین مراغی:

حاج زین العابدین مراغی، فرزند مشهدی علی، تاجر روشن فکر و هوشیاری بود که برای تجارت به روسیه رفت و در آنجا به «تاجر راستگوی ایرانی» مشهور شد. وی در سالهای آخر تاجرداری ناصرالدین شاه کتاب سیاحتنامه ابراهیم بیگ را منتشر کرد. این کتاب شرح حال بدبختی ها و وخامت اوضاع اجتماعی مردم ایران بود. او را می توان از پایه گذاران انقلاب مشروطیت در ایران دانست. وی در سن هفتاد سالگی در ۱۳۲۸ه.ق. در استانبول درگذشت.



زین العابدین مراغه‌ای

حاج مهدی شکوهی:

حاج مهدی شکوهی (۱۲۴۷-۱۳۱۳ق.) شاعر مشهور مراغه‌ای است و دیوان شعر او اشعار بسیار تند و در عین حال روان دارد. وی در اشعارش ابتدا «ناشی» و بعدها «شکوهی» تخلص می‌نمود. دیوان اشعار او مشتمل بر قصاید و غزلیات بسیاری است که متأثر از عبید زاکانی و دارای لطایف و ظرایف می‌باشد.



زین العابدین مراغی، آزاداندیش غریب

طنغرل طهماسبی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

و عضو پیوسته‌ی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی

toghrol7@gmail.com

درآمد:

در میان مردان وطن‌خواهی که در آستانه‌ی مشروطیت با دل‌سوزی تمام، برای نجات ایران از چنگال جهل و استبداد، چاره‌اندیشی کرده‌اند، نام حاج زین‌العابدین مراغه‌یی برجستگی خاصی یافته است. وی فرزند مشهدی علی و تاجرزاده‌یی ثروتمند از مردم مراغه بود که به اردوی آزادی‌خواهان و طرفداران اصلاحات پیوست. «پدرانش از گُردهای ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) و از خوانین آن سامان بودند و طریقه‌ی تسنن و مذهب شافعی داشتند، اما بعدها به کیش تشیع گرویدند و در مراغه مشغول کسب و کار و تجارت شدند و با داشتن پنج‌هزار تومان، روچیلد آن دیار گردیدند.»^۱

مراغی در سال ۱۲۵۵ ق. معاصر ناصرالدین‌شاه قاجار به دنیا آمد. در هشت سالگی به دبستان رفت و در شانزده سالگی درس و مدرسه را رها کرد و به حجره‌ی پدر رفت. وی در بیست سالگی به اردبیل رفت و از آن هنگام در اردبیل و مراغه، به قول خود «بنای اعیانی گذاشت و اسب و نوکر و تفنگدار فراهم آورد و از ادای مالیات هم گردن پیچید...»^۲. مدتی را در تفلیس - پایتخت گرجستان - به سرآورد و در مدت سه چهار سال، چند هزار منات^۳ از بقالی فراهم آورد. بعدها میرزا اسدالله‌خان

ناظم‌الدوله، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، وی را به نایب‌کنسولی شهر کتائیس منسوب کرد. وی سرانجام، برای دفاع از آزادی و نبرد با استبداد، به استانبول رفت.^۴ مراغه‌یی در استانبول با روزنامه‌های فارسی‌زبان، به‌خصوص: روزنامه‌ی شمس و روزنامه‌ی حبل‌المتین کلکته همکاری داشت. کتاب *سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ* را که رمان تاریخی خواندنی و شیرینی است، در همان شهر به رشته‌ی تحریر درآورد. علامه دهخدا می‌نویسد:^۵ «من در سال ۱۳۳۰ ق. در اسلامبول، درک صحبت او کردم و در آن وقت، موی سر و محاسن و ابروی او سپید بود. مردی خوش محاوره با قیافت و ملاحظتی جاذب و جالب، و چندی بود که ترک تجارت کرده و تنها به تربیت اولاد خویش صرف وقت می‌کرد و او مؤلف کتاب مشهور موسوم به *ابراهیم‌بیگ* است و آن کتاب در بیداری طبقه‌ی متوسط ایرانی، اثری عظیم بود و او مسودات^۶ آن کتاب را به خانه‌ی خویش به من بنمود، در صندوقی. و اوراقی بسیار نوشته و وانوشته، و آن اوراق شاید نزدیک پنجاه برابر اصل کتاب بود، همه با خط او. و هر کس با اندک مطالعه‌ی کتاب، روشن می‌دید که این مسودات بی‌شک اصل میضه‌یی^۷ است که به چاپ رسیده بوده است، و شکایت می‌کرد که بعض همکاران او از تجار، نسبت این کتاب را به «اختر» می‌دهند از حسد؛ با آن که انشای این کتاب با اسلوب اختر تمایز آشکار دارد و نیز اختر، خود صاحب مطبعه‌ی^۸ شخصی و متمول بود و کوچک‌ترین اثر خویش را در حیات خود به طبع رسانید؛ چگونه تصور می‌توان کرد که کتاب مزبور را بی‌آنکه من با او نسبت و قرابتی داشته باشم، به من واگذارد. و وراثت او از این معنی بی‌خبر باشند. و برای من حکایت کرد که: در جوانی آنگاه که به روسیه بود، برای رهایی از اجحاف^۹ مأمورین سیاسی، تبعیت روس پذیرفته بود و همیشه از این معنی متأثر و متالم بود و می‌گفت: در فصول تابستان، شعبه‌یی از تجارت‌خانه‌ی من در کیسلاوتسکی اقامتگاه تابستانی امپراتوری

و خاندان او بود و ملکه هفته‌یی چند بار برای خرید به حجره‌ی من می‌آمد. یک روز به من گفت: تو را هیچ خواهشی از ما نیست؟ من گفتم: خواهش من امری است که شاید در حضور ملکه، نوعی از بی‌ادبی و دلیری باشد. گفت: با این همه بگو. گفتم: بزرگ‌ترین آرزوی من این است که خطای گذشته‌ی خویش را مرمت کنم و بار دیگر به افتخار تبعیت ایران، وطن خود، نایل شوم و این امر بر حسب قوانین دولت شما سخت مشکل است. و در این وقت اشک‌های چشم من فروریخت و ملکه بی‌اظهاری از حجره بیرون شد و در ماه دیگر اجازت تغییر تابعیت به من دادند.^{۱۰} و از عجایب حال این مرد این بود که هر بار نام ایران بر زبان می‌برد، اشک‌های او بر محاسن سپیدش جاری می‌گشت».

سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ:

این کتاب در سه مجلد کاملاً مستقل نوشته شده است. در چاپ جلد اول، نام مؤلف ذکر نگردیده و نویسنده‌اش در آن هنگام و تا دوازده سال بعد از آن ناشناخته ماند و حتی کسانی به کنایه و اشاره، نسبت تألیف آن را به خود می‌دادند؛ تا آنکه پس از استقرار مشروطه و آزادی، در مقدمه‌ی جلد سوم آن، نام حاجی زین‌العابدین مراغه‌یی، از بازرگانان استانبول، پدید آمد. این کتاب با شور و صمیمیت و لطفی که در زبان و بیان آن به کار رفته است، در میان آثار ادبیات عصر بیداری، جایگاهی ممتاز یافته و با آن که از لحاظ زمان و مضمون با روزگار ما فاصله‌ی زیادی دارد، هنوز هم طراوت و شیرینی خود را برای خوانندگان عصر ما از دست نداده است. کتاب، در واقع دایرة‌المعارف جامع اوضاع اجتماعی ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری است که با قلمی تند و بی‌پروا و بی‌گذشت تحریر شده است. مراغه‌یی در پایان سیاحت‌نامه، مثلی ذکر می‌کند بدین قرار: نجاری و خیاطی و مرد عابدی همسفر بودند. در شبی تاریک، به منزلی هولناک رسیدند و قرار گذاشتند که هر

یک، پاسی از شب را بیدار بمانند. ابتدا نوبت نگهبانی به نجّار بود. هیکلی از چوب تراشید. خیاط به نوبت خود لباسی به اندام او دوخت و در مرحله‌ی سوم، عابد به درگاه خدا نیاز آورد و آن هیکل بی‌روح را جان داد ... سپس از نویسندگان و دانشمندان چنین درخواست می‌کند که: «ای صاحبان قلم و معرفت، شماراست که بعد از این به این نگارش که قالب بی‌لباس و روح است، لباسی آراسته و روحی بدمید که حیاتی بگیرد!»

و سرانجام استاد زین‌العابدین مراغه‌یی به سال ۱۳۲۸ ق. در هفتاد و سه سالگی در استانبول درگذشت. روحش شاد و یادش گرامی بادا. آمین!

پانویست:

۱- از صبا تا نیما، یحیی آرین‌پور، انتشارات زوار، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲- ترجمه‌ی حال مؤلف، سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ، ج ۳، کلکته، ۱۹۰۹ م.

۳- پول رایج آن منطقه.

۴- در آن سال‌ها که در داخل ایران امکان فعالیت سیاسی و آزادی‌خواهانه فراهم نبود، اغلب روشن‌فکران و اصلاح‌طلبان، در استانبول گردِ هم می‌آمدند و از آن‌جا بانوشته‌ها و سروده‌های خود طرفداران خویش را در داخل ایران، هدایت می‌کردند.

۵- لغت‌نامه، ذیل: زین‌العابدین.

۶- پیش‌نویس ۷- پاک‌نویس ۸- چاپخانه ۹- گزند و آسیب ۱۰- نهم فوریه ۱۹۰۴ م. برابر با روز اول جنگ ژاپن و روس.